حضرت امام صادق(ع):

خدا دنیا را به دوست و دشمنش عطا می‌کند ولی ایمان را فقط به کسی می‌دهد که او را دوست دارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «ألا ترَون إلی الحق لا یُعمل به؟ وإلی الباطل لا یُتناهی عنه؟ فلیرغب المؤمن بلقاءالله محقاً، فانی لا أری الموت إلا سعاده والحیاه مع الظالمین إلا برما - آیا نمی‌بینید به حق عمل و به باطل پایان داده نمی‌شود؟ پس مؤمن حق دارد و باید به دیدار پروردگارش بشتابد، پس من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز زجر نمی‌بینم»... ما برای مرگ و ایجاد مرگ و ظلمت کفن نپوشیده‌ایم. ما برای ایجاد زندگی بزرگوارانه، پیروزی به واسطه شهادت، نور به وسیله خون‌های سرخ و حیات‌بخشی به کسانی که می‌خواهند حیات آنان را سلب کنند کفن به تن کرده‌ایم. آگاهیم در جهانی هستیم که حیات با سکوت، نشستن، ترس و ذلت به وجود نمی‌آید بلکه فقط به واسطه جهاد، شهادت، کفن، جانفشانی و آمادگی دائم برای لبیک گفتن به ندای حسین آفریده می‌شود. ما اینجا خواهیم ایستاد و ندای‌مان همین خواهد بود. این چیزی است که آمریکایی‌ها باید بفهمند. آمریکایی‌ها نمی‌دانند لبیک یا حسین یعنی چه؟! لبیک یا حسین، یعنی در میدان نبرد بمانی حتی اگر تنها باشی، حتی اگر مردم تو را رها، متهم و پشتت را خالی کرده باشند. لبیک یا حسین یعنی تو، پول، خانواده و فرزندانت در این نبرد باشید. لبیک یا حسین یعنی مادر فرزندش را برای مبارزه بفرستد و وقتی به شهادت رسید، سرش بریده و به سوی مادرش پرتاب شد، آن را در دامنش بگذارد، خون و خاک را از چهره‌اش پاک کند و با رضایت و خیال آسوده به او بگوید: خداوند روسفیدت کند پسرم که مرا در روز قیامت نزد فاطمه زهرا روسفید کردی. لبیک یا حسین یعنی این. لبیک یا حسین یعنی مادر، خواهر و همسر بیایند تا به پسر، برادر یا همسر خود لباس رزم بپوشانند و او را راهی جهاد کنند. لبیک یا حسین یعنی زینب مرکب مرگ و شهادت را برای برادرش زین کند. لبیک یا حسین یعنی این. دورانی که در آن به هر قیمتی بر سر کرامت، عزت، حضور، شرافت، میهن، سرزمین و مقدسات‌مان چانه می‌زدیم تمام شد. شرایط بسیار تغییر کرده. پس تجدید بیعت خود با حسین علیه‌السلام را اینگونه تمام می‌کنیم که آقا و سرور ما، همان‌گونه که شما برای اهداف عظیمت فداکاری کردی و ترجیح دادی با خانواده و دوستانت در راه این هدف‌ها کشته شوی، ما از این راه محافظت خواهیم کرد و با خون، تفکر و فرهنگ تو پیروزی خواهیم آفرید و دعوت و بیعت ما با تو باقی خواهد بود. برادران و خواهران، در روز دهم محرم پس از اینکه همه شهید شدند و حسین تنها ماند و در همان حال قدرتمند، پایدار و درخشنده بود، فریاد کشید: «آیا کسی هست مرا یاری کند؟» فریادی که برای ارتش مقابلش نبود، برای همه کسانی بود که در صلب مردان و رحم زنان بودند و او آنان را در طول تاریخ و تا روز قیامت می‌پروراند. هر لحظه و تا همیشه با اشک، خون، معنویت، موضع، فکر، جهاد و مقاومت پاسخ این خواهد بود:«لبیک یا حسین». ما امروز در این مکان گرد آمده‌ایم تا به شهدای کربلا و اسیران کاروان غم و سربلندی بگوییم: شما حقیقتا در درون ما، در فکر، فرهنگ، بصیرت، وجدان، قلب‌ها، عقل‌ها، عاطفه‌ها، اراده، عزم، عشق، علاقه و شوق ما زنده هستید. شما ای سروران ما، خون جاری در رگ‌ها، اشک کاسه چشم‌ها، تپش قلب‌ها، رایحه زندگانی و همه کرامت ما هستید. ما در مسیر شما هستیم، منحرف نخواهیم شد، تردید نخواهیم کرد و راه را ادامه خواهیم داد تا به شما بپیوندیم و در دنیا برای‌مان یکی از این دو شود، یا پیروزی، یا شهادت. هر سال در روز عاشورا می‌ایستیم و فریاد و موضع حسین را تکرار می‌کنیم. موضعی که جمله‌ای خلاصه‌اش کرده و بنده به این جمله عشق می‌ورزم و آن را در هر عاشورا و هر روز یا مناسبت مرتبط و یادآور حسین تکرار و بازگویی می‌کنم. چون آن جمله خلاصه موضع، چکیده ادیان و رسالت آسمانی، حقیقت دین و بندگی خداوند یگانه است. «ألا إن الدعی إبن الدعی قد رکز بین إثنتین، بین السله و الذله، وهیهات من الذله.- ناپاکی فرزند ناپاک، مرا میان ۲ انتخاب مخیر کرد، میان تیزی شمشیر و خواری و خواری هرگز شایسته ما نیست.». «یأبَ‌الله لنا ذلک و رسوله والمؤمنون وأنوف حمیه ونفوس أبیه من أن نعثر طاعه اللئام علی مصارع الکرام - خداوند، پیامبرش، مؤمنان، غیرت‌مندان و سربلندان برای ما نمی‌پسندند که اطاعت فرومایگان را بر کشته شدن بزرگواران ترجیح دهیم». جهان باید بداند آن انبوه مردم ما را که در روز عاشورا می‌بیند و باید بداند همه این صبر و ایستادگی به خاطر دفاع از نوه پیامبر است وقتی که روز عاشورا گرد هم می‌آییم و همگی فریاد می‌زنیم: «لبیک یا حسین». وقتی که روز عاشورا می‌ایستیم و در برابر همه جهان فریاد می‌کشیم: «الا ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین، بین السله و الذله - ناپاکی فرزند ناپاکی مرا میان ۲ راه مخیر گذاشت، میان تیزی شمشیر و خواری ذلت»... امروز به جهانیان می‌گوییم این امام عظیم، نوه پیامبر خدا و این دین پیامبر خداست. حسین، کربلا، اهل بیت، صحابه و امت این پیامبر هر چه دارند از این پیامبر عظیم، محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم، است. پس به هیچ‌وجه هیچ‌کس خیال نکند در عرصه این پیکار امکان تساهل یا گذشت هست. با ارواح، جان‌ها، فرزندان و اموال‌مان به حسین علیه‌السلام می‌گوییم: «لبیک یا حسین». ما به این پیمان و دعوت پشت نخواهیم کرد. بله، مانند همه روزهای عاشورا در کنار حسین علیه‌السلام با تجربه‌ای که حسین رقم زد و آن را در تاریخ جاودانه کرد - و ما آن را در همه روزهای عاشورا تکرار می‌کنیم - تجدید بیعت می‌کنیم. به همه طاغوتان، متجاوزان، مفسدان، فرصت‌جویان و کسانی که به شکستن اراده، عزم و ایستادگی ما دل بسته‌اند می‌گوییم ما فرزندان آن امام، آن مردان و آن زنان و برادران آن جوانانی هستیم که روز عاشورا با حسین ایستادند و این جمله حسین را خطاب به تاریخ گفتند: «ألا إن الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منا الذله - بدانید حرامزاده‌ای فرزند حرامزاده، مرا میان تیزی شمشیر و خواری مخیر گذاشت و خواری هرگز شایسته ما نیست». بله! ما در ده‌ها سال گذشته در کنار حسین گفته‌ایم و خواهیم گفت: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افر فرار العبید - به خدا قسم از سر خواری با شما دست سازش نخواهم داد و مانند غلام از معرکه نخواهم گریخت». ما معتقدیم یزید این دوران که باید کربلایی، حسینی و زینبی با او مقابله کنیم، پروژه آمریکایی صهیونیزم است. پروژه‌ای که امت، تمدن، ادیان آسمانی، ملت‌ها و مقدسات ما را تهدید می‌کند و ما در برابر این یزید، حسینی و زینبی بوده‌ایم و خواهیم ماند و این نبرد برای ما در اولویت مطلق خواهد ماند. بنده اینجا خطر جابه‌جایی دوستان و دشمنان را به تمام جهان عرب و اسلام گوشزد می‌کنم. کسانی در جهان عرب و اسلام در حال تلاش سیاسی، رسانه‌ای و تربیتی هستند که کابوس‌هایی می‌بینند که ده‌ها سال است عادت کرده‌اند سرشت جنگ‌طلب، جنایت‌آفرین، وحشی، نژادپرست، طغیان‌گر و جنگ‌افروزش به دوستانش در جهان عرب و اسلام کمک نمی‌کند و آنان را با تجاوزهای مکرر، هر ساله و کم‌فاصله‌اش و با جنگ‌هایش علیه غزه، فلسطینیان و لبنان به زحمت می‌اندازد و آن دوستان ناگهان می‌بینند همه تلاش‌های چندساله‌شان برای معرفی اسرائیل به عنوان رژیمی معمولی که امکان هم‌زیستی با آن وجود دارد و معرفی ایران به عنوان دشمنی که منطقه را تهدید می‌کند، به باد رفته و بنده به شما می‌گویم، همه نقشه‌ها و تلاش‌های‌تان شکست خواهد خورد. نقشه‌های‌تان نقش بر آب است و این توطئه‌های‌تان هیچ اثری نخواهد داشت. چون دارید تلاش می‌کنید یک حیوان وحشی را حیوانی اهلی و سر به راه جلوه دهید که می‌شود در کنار آن زندگی کرد! در حالی که اسرائیل این‌چنین نیست و شما را در این راه کمک نخواهد کرد و به خاطر سرشتش اصلا نمی‌تواند در این زمینه به شما کمک کند! و روز به روز بیش‌تر برای ملت‌های عرب و مسلمان روشن می‌شود که جمهوری اسلامی ایران دوست عرب و همه مسلمانان و پشتیبان ملت‌های مستضعف و مظلومی است که سرزمین‌های‌شان اشغال شده و این همان چیزی است که طی نبرد اخیر نوار غزه و پیش از آن در لبنان بر آن تأکید شد. ما پس از خداوند سبحانه و تعالی با صراحت بر این جمهوری اسلامی شجاع، مؤمن، مطمئن و دلیر تکیه داشته‌ایم. این جمهوری اسلامی که به فشارهای اوباما، تهدیدات بوش پیش از اوباما و همه آن غربی که هر روز بر پایبندی خود به امنیت و برتری اسرائیل تأکید می‌کنند، هیچ اهمیتی نمی‌دهد. جمهوری اسلامی وقتی از جنبش‌های مقاومت پشتیبانی می‌کند فقط در حال انجام واجبی است که به لحاظ عقیدتی، ایمانی و استراتژیک بر عهده اوست و برای هیچ‌کس شرطی نمی‌گذارد و از هیچ‌کس درخواستی ندارد و مزدی نمی‌خواهد. اسلام‌مان تأکید کنم مراقب باشید. هر کس تلاش می‌کند اسرائیل را دوست جلوه دهد - بداند یا نداند - خدمتکار اسرائیل است. همچنان که هر کس سعی می‌کند ایران را دشمن جلوه دهد - بداند یا نداند - خدمتکار اسرائیل است. فلسطین، مساله اصلی ما لبنانیان، فلسطینیان، عرب، امت اسلامی و پیروان ادیان آسمانی است و مساله اصلی نیز خواهد ماند و هیچ چیز نمی‌تواند میان انسان و اعتقاد و ایمانش فاصله بیندازد. بله، افرادی هستند که می‌خواهند با ایجاد فتنه‌های مذهبی و تحریکات طائفه‌ای و مذهبی میان غیرعرب و عرب، شیعه و سنی، ملت‌های منطقه و ملت فلسطین و میان ما و فلسطین جدایی بیندازند یا مانع ایجاد کنند و بنده می‌خواهم به همه آنها بگویم فلسطین بخشی از ایمان، عقاید و مسؤولیت ماست و هیچ چیز به هیچ وجه نمی‌تواند میان ما و کمک و پشتیبانی و ایستادن در کنار آن فاصله بیندازد... بدون شک دورانی که ما را با اسرائیل می‌ترساندند تمام شده. نه امروز که مدت‌هاست تمام شده ولی هنوز افرادی هستند که کابوس‌هایی می‌بینند که ده‌ها سال است عادت کرده‌اند ببینند. ما در روز عاشورا و از همان جایگاه، اراده، عزم و اصرارمان به حفاظت از کشور، ملت، مقدسات و به دوش کشیدن مسؤولیت‌های بزرگ را کسب می‌کنیم و حتی یک روز هم درباره اینکه در کنار حسین باشیم تردیدی به خود راه نمی‌دهیم. جان، خون، فرزندان، پول و هر چیزی را که برای‌مان عزیز است فدای او می‌کنیم و تمام می‌شویم بدون اینکه پایان بپذیریم. چون پس از آن برای همیشه در محضر حسین علیه‌السلام خواهیم بود تا به او و جدش بگوییم بله، ما مردم مقاومت اسلامی لبنان شعارمان تا ابد این است: «هیهات منا الذله». امروز وقتی در چهره‌های شما می‌نگریم پی می‌بریم که سال ۶۱ در کربلا چه کسی پیروز شد و غلبه کرد. وقتی به چهره‌ها، اراده، جمعیت، پایبندی، عزم و حضور شما و جمعیت میلیونی گردآمده در اطراف ضریح اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و برادرش ابی الفضل العباس علیه‌السلام در شهر کربلا و «کد کیدک وإسعی سعیک و ناصب جهدک فوالله لا تمحو ذکرنا ولا تمیت وحینا» بود که پیروز شد یا منطق «لعبت هاشم بالملک فلا/ خبر جاء ولا وحی نزل؟» پیروز شد؟ یعنی منطق زینب یا منطق یزید؟ منطق حسین یا منطق یزید؟ منطق اسلام یا پروژه اسلام یا پروژه جاهلیت؟ آنچه امروز در عرض جهان و طول تاریخ می‌بینیم تأکید می‌کند پیروز چه کسی است. امام‌مان زین‌العابدین علیه‌السلام، رهبر کاروان غم‌ها، بزرگ‌منشی‌ها، عزم، اراده و وفا در این باره برای‌مان صحبت کرده وقتی ایشان وارد مدینه می‌شود و یکی از افرادی که از غم ایشان شاد بوده، می‌پرسد: چه کسی پیروز شد؟ و ایشان علیه‌السلام به این مضمون می‌فرماید که: اذان را که بشنوی، خواهی فهمید چه کسی پیروز شد. ندای اشهد ان لا اله الاالله و اشهد ان محمد رسول‌الله اذان را که بشنوی، خواهی فهمید پیروز چه کسی است. امروز نیز وقتی نام محمد پیامبر خدا را روزی ۵ بار در پهنه زمین از منبرها، مناره‌ها، شمشیر پیروز شد و پروژه حسین، نوه محمد و اسیران، زین‌العابدین، سرهای به نیزه رفته و زنان زنجیرشده که این مسافت طولانی را تا بعلبک و سپس دمشق شام آورده شدند، بود که در سال ۶۱ هجری پیروز شد، غالب آمد و باقی ماند. امروز در اربعین حسین علیه‌السلام موضع روز عاشورا را تکرار می‌کنیم و به همه این افراد که فکر می‌کنند و دل بسته‌اند که می‌شود به ما ضربه زد، می‌گوییم: مگر مقاومت در ۸۵ چقدر سلاح، تجهیزات و نفرات داشت؟ ولی اسرائیل را که قدرتمندترین ارتش منطقه بود، شکست داد. مگر مقاومت در ۲۰۰۰ چقدر سلاح، تجهیزات و نفرات داشت؟ ولی در ۲۰۰۰ نیز اسرائیل را شکست داد و حتی در ۲۰۰۶ درست است که امکانات بیشتری وجود داشت ولی با امکانات و توان اسرائیل قابل مقایسه نبود. شما اشتباه می‌کنید وقتی معادله قدرت ما را بر اساس نفرات، سلاح و موشک می‌خوانید. قدرت حقیقی ما در ایمان، اراده، عزم، عشق‌مان به خدا، رسول‌الله و سیدالشهدا و اراده و طلب زندگی کریمانه است. قدرت حقیقی ما در فرهنگ ما است که می‌گوید: «الحیاه فی موتکم قاهرین والموت فی حیاتکم مقهورین - زندگی در مرگ پیروزمندانه و مرگ در زندگی ذلیلانه است». شما در خوانش حقیقت قدرت موضع‌گیری‌های ما اشتباه می‌کنید. قدرتی که از کربلا کسب و هر روز و هر لحظه آن را در مواضع و اقدامات‌مان تکرار می‌کنیم: «ألا إن الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین أو علی طوال التاریخ] بین السله و الذله و هیهات منا الذله.- بدانید حرامزاده‌ای فرزند حرامزاده، مرا [برای همیشه تاریخ] میان تیزی شمشیر و خواری مخیر گذاشت و خواری هرگز شایسته ما نیست». امروز در میدان دشت رأس العین در نزدیکی مشهد رأس الحسین و منزلگاه اسیران، از میدانی که امام مقاومت، امام موسی صدر در آن بیدارگرانه و پرانگیزاننده دردها سخنرانی کرد، از میدان سیدالشهدای مقاومت اسلامی، سیدعباس موسوی، از میدانی که نخستین جرقه‌های مقاومت اسلامی لبنان در آن زده شد می‌گوییم و بار دیگر با پیامبرمان، تمام انبیای الهی، امام‌مان، سید شهیدان و همه شهیدان‌مان، تمامی آزادگان، شرفا، مقدسات و ظلم، ذلت و اشغال‌ستیزان عهد می‌بندیم که: ما همین‌جا و در میدان کربلای حسین علیه‌السلام خواهیم ماند و سرمای کشنده، گرمای سوزان، مرگ، کشتار، تهدید، فداکاری‌ها و جانفشانی‌ها - هرقدر بزرگ باشند - میان ما و او فاصله نخواهند انداخت و شعارمان «لبیک یا حسین» خواهد بود. ارزش معنوی آنچه در ۳۳ روز در عیتا رخ داد فراتر از تکلیف، واجب میهنی، نژادی یا دینی و قانون بود و از ارزش اخلاقی و بشری این مقاومت و ملت و سرزمین آن حکایت می‌کرد. پس می‌گویم زمینه این ایستادگی و نبرد، معرفت و عشق بوده است. بنده فراموش نمی‌کنم آن روزها وقتی اکثر خانه‌های این روستا ویران شده بود، به طور وحشیانه توسط نیروی هوایی و توپخانه‌های اسرائیل بمباران می‌شد و تانک‌های اسرائیلی به طور مکرر حمله می‌کردند و رزمندگان و برخی اهالی شهر بشدت در معرض این خطر قرار داشتند که همگی کشته شوند پنده از طریق برادرانی که مسؤول مستقیم بودند به آنها پیام دادم: شما مجبور نیستید در عیتا، یک روستای مرزی، بمانید. کسی شما را ملامت نخواهد کرد. چه اینکه این مساله با استراتژی ما - که مبتنی بر جغرافیا نبود بلکه نبردی چریکی با هدف وارد آوردن بیشترین خسارت‌ها به دشمن بود - تناقض ندارد ولی خود آن مقاومان شجاع قهرمان بودند که تصمیم گرفتند در یک روستای مرزی بمانند و تا آخرین فشنگ، گلوله، قطره خون و نفس بجنگند تا پیام هویت معنوی و ارزشی واقعی این مقاومت و ملت را به لبنانیان و همه جهان برسانند. بنده وقتی این ایستادگی را به یاد می‌آورم به یاد اصحاب حسین علیه‌السلام در شب عاشورا می‌افتم که به آنان گفته شد: «شب بر شما سایه افکنده پس جان خود را نجات دهید. هرکدام از شما دست یکی از افراد خانواده مرا بگیرد و مرا با این قوم تنها بگذارید». با اینکه این مقاومت به رزمندگان عیتا نگفت شب بر شما سایه افکنده و بروید، بلکه از آنان خواست به پایگاه جنگی دیگری پروند ولی برای ماندن در پایگاهی مرزی پافشاری کردند. گویی شب و روز، در همه ساعات آن ۳۳ روز در عیتا با جان، قلب، تن و سلول‌های‌شان و خونی که در رگ‌های‌شان جریان داشت فریاد می‌زدند: «لبیک یا حسین». فردا روز فداکاری، ایثار، بخشندگی بی‌حد و مرز، اخلاص، وفاداری، ثبات، عزم، عشق و شوق است. فردا روز غم، خون به تا حق ریخته شده، اشک جاری، غصه همیشگی و البته روز حماسه آفرینی، الهام‌بخشی و ارائه اسوه و الگوست. فردا بار دیگر اباعبدالله الحسین(ع) بر جهان جلوه می‌کند؛ در حالی که به قلب نبرد دفاع از اسلام جدش محمد(ص)، امت و وجود، کرامت و مقدسات امت فرو می‌رود. فردا اباعبدالله الحسین(ع) ندای ابدی‌اش را سر خواهد داد؛ ندایی که تنها شهیدان دشت کربلا و ارتش مردگان ابن سعد مخاطب آن بودند: «آیا کسی هست مرا یاری کند؟» این فریاد شما مانند همه سال‌های گذشته نشان پایبندی شما به ارزش‌ها، معانی، اخلاق، معنویت و اخلاص کربلاست. بنده امشب برای دنیا و آخرت دوستی که رخ دهد پایان خط مقاومت را رقم خواهد زد با تکیه بر قدرت، ایستادگی، صداقت، اخلاص، عزم و جان‌فشانی‌های می‌گویم: این جنگ تحمیلی پایان اسرائیل و سلطه و حضور آمریکا در منطقه ما خواهد بود. حضرت رهبری، امام خامنه‌ای (دام ظله الشریف) در رأس این خط، مجاهدان صبور و مقاوم و همیشه در صحنه و خانواده‌های‌مان که فرزند، جان، پول و عزیزان‌شان را تقدیم می‌کنند و ثابت کرده‌اند که فریاد لبیک یا حسین‌شان صادقانه است مشاهده کردیم. فردا در همه میادین محل تجمع، فریاد حسین(ع) در روز عاشورای سال ۶۱ هجری را خواهیم شنید و عهد، میثاق و پایبندی‌مان را با حسین تجدید خواهیم کرد که: ما با اوییم، دست از او بر نخواهیم داشت و او را ترک نخواهیم گفت. بنده از حال آمد و کدام منطق خود را جاودانه ساخت. آیا منطق «کد کیدک وإسعی سعیک و ناصب جهدک فوالله لا تمحو ذکرنا ولا تمیت وحینا» بود که پیروز شد یا منطق «لعبت هاشم بالملک فلا/ خبر جاء ولا وحی نزل؟» پیروز شد؟ یعنی منطق زینب یا منطق یزید؟ منطق حسین یا منطق یزید؟ منطق اسلام یا پروژه اسلام یا پروژه جاهلیت؟ آنچه امروز در عرض جهان و طول تاریخ می‌بینیم تأکید می‌کند پیروز چه کسی است. امام‌مان زین‌العابدین علیه‌السلام، رهبر کاروان غم‌ها، بزرگ‌منشی‌ها، عزم، اراده و وفا در این باره برای‌مان صحبت کرده وقتی ایشان وارد مدینه می‌شود و یکی از افرادی که از غم ایشان شاد بوده، می‌پرسد: چه کسی پیروز شد؟ و ایشان علیه‌السلام به این مضمون می‌فرماید که: اذان را که بشنوی، خواهی فهمید چه کسی پیروز شد. ندای اشهد ان لا اله الاالله و اشهد ان محمد رسول‌الله اذان را که بشنوی، خواهی فهمید پیروز چه کسی است. امروز نیز وقتی نام محمد پیامبر خدا را روزی ۵ بار در پهنه زمین از منبرها، مناره‌ها، شمشیر پیروز شد و پروژه حسین، نوه محمد و اسیران، زین‌العابدین، سرهای به نیزه رفته و زنان زنجیرشده که این مسافت طولانی را تا بعلبک و سپس دمشق شام آورده شدند، بود که در سال ۶۱ هجری پیروز شد، غالب آمد و باقی ماند. امروز در اربعین حسین علیه‌السلام موضع روز عاشورا را تکرار می‌کنیم و به همه این افراد که فکر می‌کنند و دل بسته‌اند که می‌شود به ما ضربه زد، می‌گوییم: مگر مقاومت در ۸۵ چقدر سلاح، تجهیزات و نفرات داشت؟ ولی اسرائیل را که قدرتمندترین ارتش منطقه بود، شکست داد. مگر مقاومت در ۲۰۰۰ چقدر سلاح، تجهیزات و نفرات داشت؟ ولی در ۲۰۰۰ نیز اسرائیل را شکست داد و حتی در ۲۰۰۶ درست است که امکانات بیشتری وجود داشت ولی با امکانات و توان اسرائیل قابل مقایسه نبود. شما اشتباه می‌کنید وقتی معادله قدرت ما را بر اساس نفرات، سلاح و موشک می‌خوانید. قدرت حقیقی ما در ایمان، اراده، عزم، عشق‌مان به خدا، رسول‌الله و سیدالشهدا و اراده و طلب زندگی کریمانه است. قدرت حقیقی ما در فرهنگ ما است که می‌گوید: «الحیاه فی موتکم قاهرین والموت فی حیاتکم مقهورین - زندگی در مرگ پیروزمندانه و مرگ در زندگی ذلیلانه است». شما در خوانش حقیقت قدرت موضع‌گیری‌های ما اشتباه می‌کنید. قدرتی که از کربلا کسب و هر روز و هر لحظه آن را در مواضع و اقدامات‌مان تکرار می‌کنیم: «ألا إن الدعی بن الدعی قد رکز بین إثنتین، بین السله و الذله، وهیهات من الذله.- بدانید حرامزاده‌ای فرزند حرامزاده، مرا [برای همیشه تاریخ] میان تیزی شمشیر و خواری مخیر گذاشت و خواری هرگز شایسته ما نیست». امروز در میدان دشت رأس العین در نزدیکی مشهد رأس الحسین و منزلگاه اسیران، از میدانی که امام مقاومت، امام موسی صدر در آن بیدارگرانه و پرانگیزاننده دردها سخنرانی کرد، از میدان سیدالشهدای مقاومت اسلامی، سیدعباس موسوی، از میدانی که نخستین جرقه‌های مقاومت اسلامی لبنان در آن زده شد می‌گوییم و بار دیگر با پیامبرمان، تمام انبیای الهی، امام‌مان، سید شهیدان و همه شهیدان‌مان، تمامی آزادگان، شرفا، مقدسات و ظلم، ذلت و اشغال‌ستیزان عهد می‌بندیم که: ما همین‌جا و در میدان کربلای حسین علیه‌السلام خواهیم ماند و سرمای کشنده، گرمای سوزان، مرگ، کشتار، تهدید، فداکاری‌ها و جانفشانی‌ها - هرقدر بزرگ باشند - میان ما و او فاصله نخواهند انداخت و شعارمان «لبیک یا حسین» خواهد بود. ارزش معنوی آنچه در ۳۳ روز در عیتا رخ داد فراتر از تکلیف، واجب میهنی، نژادی یا دینی و قانون بود و از ارزش اخلاقی و بشری این مقاومت و ملت و سرزمین آن حکایت می‌کرد. پس می‌گویم زمینه این ایستادگی و نبرد، معرفت و عشق بوده است. بنده فراموش نمی‌کنم آن روزها وقتی اکثر خانه‌های این روستا ویران شده بود، به طور وحشیانه توسط نیروی هوایی و توپخانه‌های اسرائیلی بمباران می‌شد و تانک‌های اسرائیلی به طور مکرر حمله می‌کردند و رزمندگان و برخی اهالی شهر بشدت در معرض این خطر قرار داشتند که همگی کشته شوند پنده از طریق برادرانی که مسؤول مستقیم بودند به آنها پیام دادم: شما مجبور نیستید در عیتا، یک روستای مرزی، بمانید. کسی شما را ملامت نخواهد کرد. چه اینکه این مساله با استراتژی ما - که مبتنی بر جغرافیا نبود بلکه نبردی چریکی با هدف وارد آوردن بیشترین خسارت‌ها به دشمن بود - تناقض ندارد ولی خود آن مقاومان شجاع قهرمان بودند که تصمیم گرفتند در یک روستای مرزی بمانند و تا آخرین فشنگ، گلوله، قطره خون و نفس بجنگند تا پیام هویت معنوی و ارزشی واقعی این مقاومت و ملت را به لبنانیان و همه جهان برسانند. بنده وقتی این ایستادگی را به یاد می‌آورم به یاد اصحاب حسین علیه‌السلام در شب عاشورا می‌افتم که به آنان گفته شد: «شب بر شما سایه افکنده پس جان خود را نجات دهید. هرکدام از شما دست یکی از افراد خانواده مرا بگیرد و مرا با این قوم تنها بگذارید». با اینکه این مقاومت به رزمندگان عیتا نگفت شب بر شما سایه افکنده و بروید، بلکه از آنان خواست به پایگاه جنگی دیگری پروند ولی برای ماندن در پایگاهی مرزی پافشاری کردند. گویی شب و روز، در همه ساعات آن ۳۳ روز در عیتا با جان، قلب، تن و سلول‌های‌شان و خونی که در رگ‌های‌شان جریان داشت فریاد می‌زدند: «لبیک یا حسین». فردا روز فداکاری، ایثار، بخشندگی بی‌حد و مرز، اخلاص، وفاداری، ثبات، عزم، عشق و شوق است. فردا روز غم، خون به تا حق ریخته شده، اشک جاری، غصه همیشگی و البته روز حماسه آفرینی، الهام‌بخشی و ارائه اسوه و الگوست. فردا بار دیگر اباعبدالله الحسین(ع) بر جهان جلوه می‌کند؛ در حالی که به قلب نبرد دفاع از اسلام جدش محمد(ص)، امت و وجود، کرامت و مقدسات امت فرو می‌رود. فردا اباعبدالله الحسین(ع) ندای ابدی‌اش را سر خواهد داد؛ ندایی که تنها شهیدان دشت کربلا و ارتش مردگان ابن سعد مخاطب آن بودند: «آیا کسی هست مرا یاری کند؟» این فریاد شما مانند همه سال‌های گذشته نشان پایبندی شما به ارزش‌ها، معانی، اخلاق، معنویت و اخلاص کربلاست. بنده امشب برای دنیا و آخرت دوستی که رخ دهد پایان خط مقاومت را رقم خواهد زد با تکیه بر قدرت، ایستادگی، صداقت، اخلاص، عزم و جان‌فشانی‌های می‌گویم: این جنگ تحمیلی پایان اسرائیل و سلطه و حضور آمریکا در منطقه ما خواهد بود. حضرت رهبری، امام خامنه‌ای (دام ظله الشریف) در رأس این خط، مجاهدان صبور و مقاوم و همیشه در صحنه و خانواده‌های‌مان که فرزند، جان، پول و عزیزان‌شان را تقدیم می‌کنند و ثابت کرده‌اند که فریاد لبیک یا حسین‌شان صادقانه است مشاهده کردیم. فردا در همه میادین محل تجمع، فریاد حسین(ع) در روز عاشورای سال ۶۱ هجری را خواهیم شنید و عهد، میثاق و پایبندی‌مان را با حسین تجدید خواهیم کرد که: ما با اوییم، دست از او بر نخواهیم داشت و او را ترک نخواهیم گفت. فردا ابتدا به حسین(ع) و سپس جهان، دوست و دشمن و دوستدار و در انتظار ثابت خواهیم کرد ما برتر از تهدیدات، خطرات و چالش‌ها هستیم و مردان و زنان میدان نبرد هستیم که همچنان فریادشان یا حسین خواهد بود. فردا ان‌شاءالله همه این احیائات را که خداوند توفیق برگزاری‌اش را داد به پایان خواهیم برد. از خداوند سبحانه و تعالی می‌خواهم از همه شما قبول کند. توفیق‌تان دهد. حافظ‌تان باشد و یاری‌تان کند. برادران و خواهران، حسین علیه‌السلام در سخنان تعیین کننده‌اش می‌گوید: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود». خطابش با نخبگان و از رهگذر آنها همه امت و همه نسل‌های امت در طول تاریخ است: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل دست برداشته نمی‌شود؟ پس مؤمن باید حق‌دارانه به دیدار الله اشتیاق یابد و چنین است که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز بیزاری نمی‌بینم». مکتب حسین علیه‌السلام این است؛ مکتبی که پیش از گوش، به آن دل می‌سپاریم و از خلال آن ذلت‌ناپذیری، وفاداری، ایستادگی، جانفشانی، خالص شدن برای حق و مخالفت با باطل را می‌آموزیم. امروز چقدر به دیروز شباهت دارد. برادران و خواهران، به ما چه می‌گویند؟ به ما گفته می‌شود یا در مقابل آمریکا و پروژه‌اش کمر خم می‌کنید و اسرائیل و دست‌نشانده‌ها و سلطه‌اش را می‌پذیرید و غلامش می‌شوید یا علیه شما جنگ، محاصره و تحریم راه می‌اندازیم. وارد لیست سازمان‌های تروریستی‌تان می‌کنیم و نیروهای انتحاری را به مساجد، حسینیه‌ها، کلیساها، مدارس و بازارهای‌تان روانه می‌سازیم. بسیاری افراد آماده عملیات انتحاری هستند. آیا امروز این را به ما نمی‌گویند؟ - بگذارید مطلب را کامل کنم - می‌گویند یا زانو بزنید یا باید پیامدهای زانو نزدن، آزادگی، استقلال و تمامیت را بپذیرید. آیا این همان چیزی نیست که در کربلا به حسین علیه‌السلام گفته شد؟ آیا به حسین، یاران و زنان‌شان گفته نشد یا بیعت با یزید و ابن زیاد را حتی اگر وجود و استبداد، استکبار، سرکشی و فساد یزید خطراتی برای دین، اسلام و امت‌تان را در پی داشته باشد می‌پذیرید و می‌پذیرید بنده یزید بن معاویه شوید و یا اینکه می‌کشیم‌تان. سرتان را می‌بریم. پیکرهای‌تان را پاره پاره می‌کنیم، اموال‌تان را به غارت می‌بریم و زنان‌تان را به اسارت می‌گیریم. آیا این رخ نداد؟ چیزی که رخ داد همین بود. این همان کاری بود که بعد هم به انجام رساندند وقتی یک یا ۲ سال بعد مدینه علیه یزید انقلاب کرد، یزید ارتشش را به مدینه النبی و صحابه رسول‌الله و مهاجران و انصار فرستاد. آن را محاصره کرد. در هم کوبید. بخشی از آن را سوزاند، چهارپایان ارتش را وارد مسجدالنبی صلی‌الله علیه و آله و سلم کرد، نوامیس مدینه را هتک کرد. زنان و دختران مهاجران و انصار را غصب کرد، پسران‌شان را کشت و از هر کس زنده ماند بیعت گرفتند. بیعت با چه کسی؟ بیعت با امیرالمومنین؟ نه. بیعت با خلیفه؟ نه. بیعت با امام؟ نه! بیعت با حاکم؟ نه. بلکه بیعت با مالک! از آنها بیعت گرفتند که آنها بردگان یزید بن معاویه هستند. حوادث امروز این است. حسین علیه‌السلام می‌دانست کجا می‌ایستد و باید چه گزینه‌ای را انتخاب کند. موضع‌گیری‌هایش هم قطعی بود. اگر اینگونه است و هیچ گزینه دیگری غیر از مرگ وجود ندارد، اگر یا بیعت است و یا مرگ، اگر یا ذلت است و یا مرگ. اگر یا زانو زدن در برابر اراده مستکبران است و یا مرگ. حسین به ما یاد داد که بگوییم: «به خدا من مرگ را جز رستگاری و زندگی یا ستمگران را جز بیزاری نمی‌دانم». امشب تاریخ، نبرد و جوهره آن را به یاد می‌آوریم و موضع می‌گیریم. او را و امروز ما را در چنین وضعیتی قرار داده‌اند. همچنان که اسرائیل پیش از این با ما چنین کرده بود. حسین علیه‌السلام میان این ۲ گزینه گفت: «آگاه باشید که بی‌ریشه‌ای فرزند بی‌ریشه، مرا میان ۲ چیز مخیر گذاشت. میان تیزی شمشیر و ذلت و چه بی‌نسبت است با ما ذلت». اسرائیل خاک ما را اشغال می‌کرد و می‌خواهد بکند و در خاک ما بماند و شرط‌های خوارکننده‌اش را بر لبنان تحمیل کند وقتی اسرائیل ما را میان جنگ و ذلت، مرگ و ذلت و